

سبک رابطه



دخالت در زندگی زوجین جوان، خیر خواهانه اما مشکل آفرین

پذیرید فرزندان مستقل شده است

زهرا هنریخش

یکی از عوامل پیدایش اختلاف بین زوجین جوان، دخالت‌های نادرست و ناپجای پدر، مادر، برادر، خواهر، دوست و اطرافیان آنان در زندگی مشترک‌شان است. این دخالت‌ها اگر فزونی یابد منجر به طلاق و فروپاشی زندگی آنان می‌شود. زندگی مشترک یک رابطه دوسویه است و تصمیم‌گیری بر عهده هر دو نفر می‌باشد، نباید اجازه دخالت به دیگران در ورود به حریم خصوصی زندگی زناشویی داده شود. زندگی مشترک زوجین بعد از ازدواج باید دارای رمز زناشویی مشخص باشد تا به این طریق زندگی خود را حفظ و پایدار کنند. زمانی که زوجین بدون هیچ محدودیتی تمام اسرار و مسائل زندگی مشترک‌شان را به والدین خود انتقال می‌دهند، یعنی آنها به هیچ‌وجه حریم شخصی در زندگی برای خود نیستند. شکل‌گیری و مدیریت زندگی مشترک در جهت برقراری روابطی متعادل و تعامل صحیح، میان خانواده‌ها و همسر یکی از مهم‌ترین وظایف زوجین است.

دخالت بانیت خیر خواهی هم مشکل آفرین است
اگر والدین این را بپذیرند که فرزندان مستقل شده و به تصمیمات و زندگی مشترک فرزندان احترام بگذارند، دیگر مدام در مسائل مختلف و متنوع زناشویی دخالت بیجا و ناروا نمی‌کنند، چه بسا پدر و مادر به خاطر محبت بسیار نسبت به فرزندان، طرف فرزند خود را گرفته و قضاوت نادرست خواهند کرد، از طرفی زوجین از وضعیت زندگی خود آگاه هستند و حقیقت در بین آنان کاملاً آشکار و واضح است، اما ممکن است برای توجیه خود و دوری از سرزنش سایرین فقط اطلاعاتی که به نفع خود هست را بازگو کنند و اطرافیان برداشت اشتباه کنند. اطرافیان گاهی با نیت خیر خواهی اقدام به دخالت می‌کنند که اگر از بستگان درجه یک باشند مانند پدر و مادر ممکن است با تأثیر اشتباه بر فکر و تصمیم زوجین، زندگی آنان را به تباهی بکشند.

یکی از مهارت‌های مهم در زندگی زناشویی مهارت تصمیم‌گیری و حل مسئله است، زوجین باید تلاش کنند در موقعیت‌های بحرانی و تنش‌زا از توانمندی‌های یکدیگر برای برطرف کردن مشکل بهره ببرند. عوامل مختلفی در اختلاف زوجین مؤثر است که در ادامه به برخی از آنها می‌پردازیم.

نداشتن اعتماد والدین نسبت به فرزندان

والدین اینگونه تصور می‌کنند که چون خود تجربه زندگی مشترک با قدمت بیشتر دارند، بنابراین مجاز هستند در مسئله‌ای از زندگی مشترک فرزندان دخالت کنند

راهنما

رهنمودهای مقام معظم رهبری به زوج‌های جوان
تکیه‌گاه همدیگر باشید

رهنمودهای مقام معظم رهبری به زوج‌های جوان از جمله زیبا ترین و راهبردی ترین فرمایشات ایشان است که به دل می‌نشیند و می‌تواند چراغی روشن برای خانواده‌ها باشد. در ادامه گزیده‌ای از بیانات ایشان را در این زمینه می‌خوانید.

حسادت و غیرت یکدیگر را تحریک نکنید!

من همیشه به مردهای جوان توصیه می‌کنم که شما در معاشرت با نامحرم و حتی محارم کاری نکنید و حرفی نزنید که زنان خود را اودار به حسادت کنید. به دختران جوان هم سفارش می‌کنم که در برخوردشان با مردهای بیگانه کاری نکنند و حرفی نزنند که حس حسادت و غیرت شوهرانشان را تحریک نمایند. این حسادت‌ها بدبینی می‌آورد و پایه‌های محبت را است می‌کند و از ریشه می‌سوزاند.

تحقیر همسر، آغاز فریاشی خانواده

ظلم، تبعیض و اهانت در هر حالی غلط است. اگر شما عالی‌ترین مرد دنیا باشید و زن شما مثلاً از لحاظ سواد و معلومات و... یک خانم کم‌سوادی باشد، یا از یک خانواده پائینی باشد، شماحق کمترین ظلم و اهانتی را به او ندارید، زن همان زن است تا بد. حق کمترین اهانتی را به او ندارید. این البته فقط مخصوص ما نیست. این اروپایی‌های آذکن زده‌اتو کشیده گاهی خیلی بدتر از جوامع ما به این موجودات ظلم می‌کنند. مرد حق ندارد ولو بالاتر از زن باشد، به زنش جفا کند. زن هم همینطور. گاهی زن یک خانم باسواد تحصیل کرده که مثلاً حلاً با یک مرد کارگری ازدواج کرده است، او هم حق ندارد مرد را تحقیر کند. مرد باز هم برای او نقطه انگیزی است، باید به او تکیه کند. باید او را از لحاظ روحی چنان حفظ کند که بشود به او تکیه کرد. این خانواده سالم است، اگر خانواده انطوری تشکیل دادید، بدانید که

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱

سبک نگرش



برنامه مشخصی داشتن به معنای قطع ارتباط با دیگران نیست، بلکه مدیریت و هنر برقراری ارتباط درست با سایرین به نحوی است که دست دخالت نابه جای دیگران در زندگی را کوتاه نماید. بارعایت احترام در مقابل کمک‌های دوستانه اطرافیان، به گونه‌ای رفتار کنید تا آنان متوجه شوند که ادامه دخالت‌های بی‌مورد آنها حتی اگر دلسوزانه باشد نه تنها در حل مشکلات شما تأثیر گذار نیست، بلکه ممکن است اختلافات را بیشتر کند و زندگی مشترک‌تان را باخطر روبه‌روسازد

درد و مشاوهه دهند، برای مثال مادری که در زندگی خود سختی کشیده انتظارات بی‌مورد را از داماد خود دارد، چون همسرش زندگی ساده‌ای برایش فراهم کرده، سفر متعدد خارجی نبرده است، کادوی گران نخریده و... به همین دلیل انتظار دارد دامادش برای دخترش همه‌چیز فراهم کند، اما توجه نمی‌کند که پایه و اساس زندگی مشترک به تجملات نیست، در حقیقت زندگی مشترک برای به آسایش رسیدن هر دو طرف است، یک رابطه دوسویه و دوطرفه که اگر مرد یا بدخاقل امکانات و وسایل زندگی را فراهم کند و به

همسرش عشق بورزد در مقابل همسرش نیز باید شرایطی را فراهم کند که شوهرش به آرامش برسد.

آسیب‌های آشکار کردن اسرار و مشکلات

زمانی که زوج جوان همه اطلاعات زندگی‌شان را برملا می‌کنند این امکان را به سایرین می‌دهند تا در زندگی‌شان دخالت بی‌مورد و نادرست کنند. باید بدانند بهتر است از رمز زندگی مشترک بین خودشان بماند و برای دیگران فاش نکنند. یکی از مؤثرترین مهارت‌ها در زندگی مشترک، در یک دیدگاه طرف مقابل است. در واقع زوجین باید زندگی را از دید همسر خود ببینند و براساس آن تصمیم بگیرند. فن بیان صحیح درباره مشکلات و معضلات و توانایی جلوگیری از مشاجره و جنگ یا نرساندن موضوع به نفر سوم مهم‌ترین ضرورت برای زوج‌های جوان است.

اعتماد به نفس پایین و وابستگی عاطفی زوج‌ها

به والدین
خصوصیات شخصیتی و رفتاری زوج‌ها سبب شده که سایرین به خصوص والدین‌شان نتوانند به آنها اعتماد کنند یا زوجین به خاطر ازدواج در سن پایین و برخی عوامل دیگر تصور می‌کنند که هنوز به اندازه کافی مستقل نشده‌اند، بنابراین هر لحظه منتظرند والدین و اطرافیان برایشان تصمیم گرفته و به نحوی در زندگی آنها دخالت کنند، در حالی که نقش والدین کمک و راهنمایی اصولی و منطقی صحیح پرمبانی‌ا واقعیات است و نه دخالت کردن.

معمولاً زوج‌های جوان در ابتدای زندگی به دلیل مشکلات مالی یا نگهداری کودک دچار سختی و مشقت می‌شوند و از پدر و مادر خود برای رفع این مشکلات کمک می‌خواهند، زیرا پدر و مادر حامی خوبی هستند، اما وقتی این کمک‌ها به بگیری مداوم و مکرر و همین‌طور سبب کنجکاوی و فضولی آنها در زندگی زوج جوان شود، زمینه دخالت‌های بعدی نیز ایجاد می‌شود. یکی از راه‌های کاهش میزان دخالت خانواده تنظیم زمان ملاقات به اندازه معقول است، برای این کار لازم نیست دفعات را کاهش دهید بلکه مدت زمان حضور در خانه آنان را کم کنید. سعی کنید وقتی که آنها به خانه شما می‌آیند

مشکلات مالی یا نگهداری کودک دچار سختی و مشقت می‌شوند و از پدر و مادر خود برای رفع این مشکلات کمک می‌خواهند، زیرا پدر و مادر حامی خوبی هستند، اما وقتی این کمک‌ها به بگیری مداوم و مکرر و همین‌طور سبب کنجکاوی و فضولی آنها در زندگی زوج جوان شود، زمینه دخالت‌های بعدی نیز ایجاد می‌شود. یکی از راه‌های کاهش میزان دخالت خانواده تنظیم زمان ملاقات به اندازه معقول است، برای این کار لازم نیست دفعات را کاهش دهید بلکه مدت زمان حضور در خانه آنان را کم کنید. سعی کنید وقتی که آنها به خانه شما می‌آیند

مشکلات را بیشتر کند و زندگی مشترک‌تان را باخطر روبه‌روسازد.

مشکلات مالی یا نگهداری کودک دچار سختی و مشقت می‌شوند و از پدر و مادر خود برای رفع این مشکلات کمک می‌خواهند، زیرا پدر و مادر حامی خوبی هستند، اما وقتی این کمک‌ها به بگیری مداوم و مکرر و همین‌طور سبب کنجکاوی و فضولی آنها در زندگی زوج جوان شود، زمینه دخالت‌های بعدی نیز ایجاد می‌شود. یکی از راه‌های کاهش میزان دخالت خانواده تنظیم زمان ملاقات به اندازه معقول است، برای این کار لازم نیست دفعات را کاهش دهید بلکه مدت زمان حضور در خانه آنان را کم کنید. سعی کنید وقتی که آنها به خانه شما می‌آیند

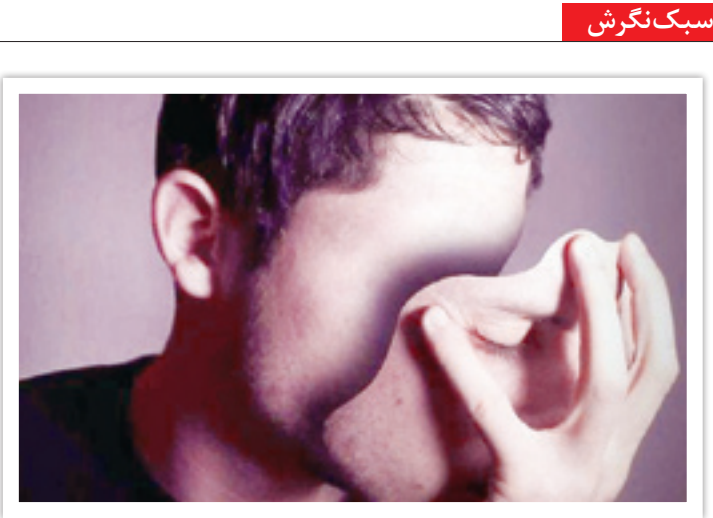
مشکلات را بیشتر کند و زندگی مشترک‌تان را باخطر روبه‌روسازد.

مشکلات مالی یا نگهداری کودک دچار سختی و مشقت می‌شوند و از پدر و مادر خود برای رفع این مشکلات کمک می‌خواهند، زیرا پدر و مادر حامی خوبی هستند، اما وقتی این کمک‌ها به بگیری مداوم و مکرر و همین‌طور سبب کنجکاوی و فضولی آنها در زندگی زوج جوان شود، زمینه دخالت‌های بعدی نیز ایجاد می‌شود. یکی از راه‌های کاهش میزان دخالت خانواده تنظیم زمان ملاقات به اندازه معقول است، برای این کار لازم نیست دفعات را کاهش دهید بلکه مدت زمان حضور در خانه آنان را کم کنید. سعی کنید وقتی که آنها به خانه شما می‌آیند

مشکلات را بیشتر کند و زندگی مشترک‌تان را باخطر روبه‌روسازد.

مشکلات مالی یا نگهداری کودک دچار سختی و مشقت می‌شوند و از پدر و مادر خود برای رفع این مشکلات کمک می‌خواهند، زیرا پدر و مادر حامی خوبی هستند، اما وقتی این کمک‌ها به بگیری مداوم و مکرر و همین‌طور سبب کنجکاوی و فضولی آنها در زندگی زوج جوان شود، زمینه دخالت‌های بعدی نیز ایجاد می‌شود. یکی از راه‌های کاهش میزان دخالت خانواده تنظیم زمان ملاقات به اندازه معقول است، برای این کار لازم نیست دفعات را کاهش دهید بلکه مدت زمان حضور در خانه آنان را کم کنید. سعی کنید وقتی که آنها به خانه شما می‌آیند

مشکلات را بیشتر کند و زندگی مشترک‌تان را باخطر روبه‌روسازد.



انسان می‌تواند هم منبع معنا باشد و هم تابع قانون علیت!

با تناقض‌های اخلاقی زندگی مان چه کنیم؟

■ **تلخیص: حسین گل‌محمدی**

پیتر سینیگر، فیلسوف مشهور معتقد است «ارزش اخلاقی از شیوه حیات پیچیده سرچشمه می‌گیرد.» در نگاه اول همه چیز درست است: انسان‌ها که حیاتشان پیچیده‌تر است، از مرغ‌ها ارزش بیشتری دارند، اما کافی است یکی از این‌انسان‌ها آزا ایمر بگیرد و حتی نتواند نیازهای اولیه‌اش را به ما بگوید. مثل اتفاقی که برای خود سینیگر افتاد: مادرش آزا ایمر گرفت و او هم به جای اینکه پول‌هایش را صرف موجود زنده پیچیده تری (یعنی صرف مرغ‌ها) کند، خرج نگهداری مادرش کرد. چرا ما با سینیگر هم موافقیم و هم مخالف؟

پیتر سینیگر، فیلسوف استرالیایی یکبار برای آنکه سخن خودش را نقض کند، مورد انتقاد قرار می‌گیرد. سینیگر

آگاهانه پیچیده‌ارزشمندترین چیز است و از این پیامد منطقی سرزای نمی‌زند که زندگی انسانی بااختلال ذهنی شدید از زندگی بی‌مغز ارزش کمتری دارد. سپس

روزنانه‌نگاران بی‌می‌برند که مادر سینیگر دچار آلزایمر است و او تصمیم گرفته است تا پولش را به‌جای کمک به مرغ‌ها صرف مراقبت از مادرش نماید. آنها سینیگر را دوروی می‌نماند و حتی نشربه نیوربیالیک در طرح‌روی جلش تصویری از پیرزنی سردرگم، باوکر، تحت عنوان «مادران دیگران» منتشر می‌کند.

مشکل اینجااست که این آشکارا نظر به‌ای بد است. شاید مادر شما هنر مند مفهومی سرشناسی باشد که قبل از ابتلا به آلزایمر از طریق جراحی برای خودش متقل گذاشته باشد. این امر او را مرغ در یک مقوله جای خواهد داد. شما می‌توانید استدلال کنید که مرغ‌ها در طیف این‌گزارند از انتظارمدم باخیرش‌رداری مهارت فن بیان و مذاکره سبب می‌شود زوجین بعد از چند دقیقه گفتگو دچار نزاع دعوا و تیر شوند، بنابراین بهتر است گفت‌وگوی درست را یاد بگیریم. مهارت دیگر صبر کردن است تا به مرور زمان زوجین با یکدیگر متناسب شوند. بنابراین هر دو نفر باید برای شکل‌گیری زندگی خود صبور باشند. عمده اختلافات مربوط به پنج سال ابتدای زندگی است و در صورتی که زوجین این پنج سال را تحمل کنند و دوام بیاورند، یعنی زندگی خود را به درستی مدیریت کنند، پس از آن شرایط بهتر خواهد شد. در این فاصله همدیگر را بهتر شناخته و به تفاهم بیشتری خواهند رسید.

باید پذیرفت که گاهی سوء برداشت‌ها و اختلاف سلیقه با همسر، بدون مراجعه به مشاوره و راهنمایی گرفتن غیرممکن است. وقتی هیچ‌کدام از راهکارها جواب نداد باید به مشاوره خانواده مراجعه کرده و با در میان گذاشتن مشکلات از او راهنمایی درست و منطقی گرفت. فلاسفه از دکارت تا کانت تا دونالد دیویدسون به این ناسازگاری توجه کرده‌اند و کوشیده‌اند تا نظریه‌ای ارائه کنند که چگونه آدمیان می‌توانند هم منبع معنا باشند و هم تابع قانون علیت. از دیدگاه دکارت، آدمیان صرفاً دو چیز متفاوتند که به شیوه‌ای رازآلود به هم بسته شده‌اند. از نگاه کانت، آدمیان یک چیز با دو وجه هستند، وجه فنومنال که ما را در شبکه‌ای از علل‌جای می‌دهد و وجه قانن‌علیت. ما را موجوداتی آزاد نشان می‌دهد. دیویدسون استدلال می‌کند که جهان نه ذهنی است نه فیزیکی. اما می‌تواند توصیفات ذهنی یا فیزیکی بپذیرد و بسته به اینکه کدام توصیف را به کار می‌بریم به‌نحوی متفاوت می‌تواند فهم شود. یک نگرانی درباره همه این نظریه‌ها آن است که آنها تناقض را حل می‌کنند، تناقض بین انسان ماشینی و انسان معنادر، اما به قیمت اینکه خودشان پرسش‌هایی دشوار پیش می‌نهند. شما احساس می‌کنید می‌خواهید از دکارت برسید: «چگونه این دو جوهر همزیستی دارند؟» یا از کانت برسید: «چگونه خوشتن آدمی می‌تواند هم فنومنال و هم نومنال باشد؟» یا از دیویدسون برسید: «چرا اصلاً یک‌خدا باید توصیفات ذهنی و فیزیکی داشته باشد؟» از اینها نگران‌کننده‌تر این است که به نظر نمی‌رسد این مراقب اوضاع باشد؟ آیا او دیگر تحت توصیفات ذهنی قرار نمی‌گیرد و فقط واجد شرایط توصیف فیزیکی می‌شود؟ درست کی و چگونه مادر از قلمرو انسان گذر



کوچکی که حالا به وجود آمده است، مستحکم خواهد ماند و از آن بلافا‌راغ خواهد شد. زن و مرد احساس می‌کنند که سروکارشان با یکدیگر است، با این خانواده است. زن احساس نمی‌کند که خانه برای او یک وسیله دست و پا گیر است. یا مرد احساس نمی‌کند که خانه وزن برای او یک وسیله مزاحم است. اینکه اسلام اقتدر گفته است که چشم‌تان را ببندید، به نامحرم نگاه نکنید به زن یک‌جور گفته و به مرد یک‌جور دیگر گفته. برای این است که وقتی چشم به یک طرفی رفت، آن وقت بخشی از سهم آن کسی که همسر شماست، آن طرف خواهد رفت. حالا چه شما مرد باشید و چه زن باشید فرق نمی‌کند. یک قسمتی می‌رود

آنجا. وقتی اینجا کم گذاشتی، محبت ضعیف خواهد شد. محبت که ضعیف شد، بنای خانواده‌ی متزلزل می‌شود. آن وقت آنچه که برای تو لازم است از دستت می‌رود و آنی که برایت مضر است به خیال خودت به دست او‌دهی.

چگونه آدمیان هم می‌توانند هم منبع معنا باشند و هم تابع قانون علیت. از دیدگاه دکارت، آدمیان صرفاً دو چیز متفاوتند که به شیوه‌ای رازآلود به هم بسته شده‌اند. از نگاه کانت، آدمیان یک چیز با دو وجه هستند، وجه فنومنال که ما را در شبکه‌ای از علل‌جای می‌دهد و وجه نومنال که ما را موجوداتی آزاد نشان می‌دهد

چگونه آدمیان هم می‌توانند هم منبع معنا باشند و هم تابع قانون علیت. از دیدگاه دکارت، آدمیان صرفاً دو چیز متفاوتند که به شیوه‌ای رازآلود به هم بسته شده‌اند. از نگاه کانت، آدمیان یک چیز با دو وجه هستند، وجه فنومنال که ما را در شبکه‌ای از علل‌جای می‌دهد و وجه نومنال که ما را موجوداتی آزاد نشان می‌دهد

چگونه آدمیان هم می‌توانند هم منبع معنا باشند و هم تابع قانون علیت. از دیدگاه دکارت، آدمیان صرفاً دو چیز متفاوتند که به شیوه‌ای رازآلود به هم بسته شده‌اند. از نگاه کانت، آدمیان یک چیز با دو وجه هستند، وجه فنومنال که ما را در شبکه‌ای از علل‌جای می‌دهد و وجه نومنال که ما را موجوداتی آزاد نشان می‌دهد

چگونه آدمیان هم می‌توانند هم منبع معنا باشند و هم تابع قانون علیت. از دیدگاه دکارت، آدمیان صرفاً دو چیز متفاوتند که به شیوه‌ای رازآلود به هم بسته شده‌اند. از نگاه کانت، آدمیان یک چیز با دو وجه هستند، وجه فنومنال که ما را در شبکه‌ای از علل‌جای می‌دهد و وجه نومنال که ما را موجوداتی آزاد نشان می‌دهد

چگونه آدمیان هم می‌توانند هم منبع معنا باشند و هم تابع قانون علیت. از دیدگاه دکارت، آدمیان صرفاً دو چیز متفاوتند که به شیوه‌ای رازآلود به هم بسته شده‌اند. از نگاه کانت، آدمیان یک چیز با دو وجه هستند، وجه فنومنال که ما را در شبکه‌ای از علل‌جای می‌دهد و وجه نومنال که ما را موجوداتی آزاد نشان می‌دهد

چگونه آدمیان هم می‌توانند هم منبع معنا باشند و هم تابع قانون علیت. از دیدگاه دکارت، آدمیان صرفاً دو چیز متفاوتند که به شیوه‌ای رازآلود به هم بسته شده‌اند. از نگاه کانت، آدمیان یک چیز با دو وجه هستند، وجه فنومنال که ما را در شبکه‌ای از علل‌جای می‌دهد و وجه نومنال که ما را موجوداتی آزاد نشان می‌دهد